



## بیانات در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت عید قربان - 10 / مرداد / 1399

بسم الله الرحمن الرحيم  
والحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا ابي القاسم المصطفى محمد و على آله الاطيبين  
الاطهرين المنتجبين سيما بقيّة الله في الارضين.

عید سعید قربان را - که یکی از خاطره‌های بزرگ تاریخی همه‌ی متدبّین جهان است - تبریک عرض میکنم به ملت عزیز ایران و به همه‌ی مسلمانان و به پیروان ادیان ابراهیمی.

دهه‌ی اوّل ذی‌حجّه، دهه‌ی خاطره‌های آموزنده و دهه‌ی تضرّع و انابه‌ی الی‌الله خاطره‌ی روز عید قربان، خاطره‌ی بزرگی است؛ اساساً دهه‌ی اوّل ذی‌حجّه، دهه‌ی خاطره‌ها است. در ماه ذی‌حجّه، هر دهه‌ای یک خصوصیتی دارد؛ دهه‌ی اوّل، هم دهه‌ی خاطره‌های پرشکوه و مهم و آموزنده است و هم دهه‌ی تضرّع و توجّه و انابه‌ی الی‌الله است. خاطره‌ها از خاطرات مربوط به حضرت موسی (علیه السلام) شروع میشود که مسئله‌ی «وَ وَاَعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَ اَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فِتْنٍ مِيقَاتٍ رَبِّهِ اَرْبَعِينَ لَيْلَةً» (۱) [است که] چهل شب میعاد حضرت موسی با پروردگار عالم در کوه طور یا همان میقاتی که بود طول کشیده؛ که در تفسیر هست که این چهل شب از اوّل شب اوّل ذی‌قعدة است تا شب عید قربان. و اوّل، قرار سی شب است، بعد ده شب اضافه میشود که همین ده شب ذی‌حجّه است؛ که این [موضوع]، اهمّیت این شبها را نشان میدهد.

رنج‌های حضرت موسی در این خاطرات مشخص است. خب زحمات فراوان حضرت موسی (علیه السلام) در مصر، درگیری با فرعون و مشکلات عجیب و غریبی که بعد از برگشتن از مدین تا بیرون آمدن از مصر برای این بزرگوار پیش آمد - در رابطه‌ی با فرعون، در رابطه‌ی با بنی‌اسرائیل، در رابطه‌ی با سحر و دیگران - و بعد از آن معجزه‌ی عظیمی که اتفاق افتاد، که دریا شکافته شد و دشمن بنی‌اسرائیل با همه‌ی نیروهایش جلوی چشم آنها غرق شد، خب این دیگر باید یک ایمان ثابت مستقری را در بنی‌اسرائیل به وجود می‌آورد؛ [ولی] این جوری نشد. اوّل که گفتند «اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ»، (۲) که دنبال شرک و بت‌پرستی و مانند اینها [بودند و] دلشان پر زد برای بت‌پرستی - این اوّل کار بود - بعد هم که قضیه‌ی گوساله [بود] که این ظاهرًا مربوط به همین چهل روز است؛ که این بزرگوار وقتی که از میقات برگشت، دید که اوضاع دگرگون شده و ملت برگشتند.

چه رنج بزرگی است برای یک پیغمبر، یک داعی الی‌الله، با این همه زحمت عده‌ای را در راه خدا به راه بیندازد و ایمان به اینها تلقین بکند، بعد به یک چیز جزئی اینها از این ایمان برگردند! که در قرآن دارد «وَالْقَى اللّٰوْحَ وَ اَخَذَ بِرَأْسِ اَخِيهِ يَجْرُهُ اِلَيْهِ»، (۳) حضرت این وضع را که دیدند، بشدت خشمگین، ناراحت، متأسّف شدند، که در قرآن حدّاقل دو جا به این [موضوع] اشاره شده است، که «لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ آذَوْا مُوسَى»؛ (۴) آزار بنی‌اسرائیل به حضرت موسی در اینجا ذکر شده؛ یک جا هم در سوره‌ی صف است که «قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ لِمَ تُوذَوْنَ وَقَدْ تَعْلَمُونَ اَنْتُمْ رُسُلُ اللّٰهِ اِلَيْكُمْ»؛ (۵) این نشان‌دهنده‌ی آن است که اذیت و آزار بنی‌اسرائیل به حضرت موسی خیلی بزرگ بوده؛ این ده شب خاطره‌ی این واقعات (۶) مهمّ تاریخی است و به ما نشان میدهد که حرکت در راه حق با وجود معجزاتی مثل معجزات موسی چقدر مشکلات دارد و چطور باید با این مشکلات مواجه شد و صبر کرد، که این یک خاطره است. بعد مسئله‌ی روز عرفه است که روز دعا و توسّل و توجّه و اوج توجّه به خدا است که در روایت از امام



صادق ( علیه السلام ) نقل شده که ایشان فرمودند پدرم، یعنی حضرت باقر، در روز عرفه در عرفات در هوای داغ آنجا روزه می‌گرفتند - که لابد روزه‌ی نذری بوده است - و دعا می‌خواندند و تضرع می‌کردند و گریه می‌کردند در آن هوای داغ کذایی. دعای امام حسین ( علیه السلام ) هم که خب روشن است و دعای صحیفه‌ی سجادیه هم که دعای فوق‌العاده‌ای است. اینها مربوط به روز عرفه است. امیدواریم ملت عزیز ما دیروز را که عرفه بود، حظ وافر برده باشند و ان شاء الله همه‌ی دعاهايتان مستجاب باشد.

بعد نوبت میرسد به روز عید قربان، این قربانی شگفت‌انگیز و شگفتی‌ساز در تاریخ که بی‌نظیر است. حضرت ابراهیم مأمور میشود که نوجوان خودش را به دست خودش به قتل برساند - امر الهی است، آزمایش الهی است - آن هم فرزندی که سالهای متمادی از وجود او محروم بوده و در پیری الحمد لله الذی وهب لی علی الکبر إسماعیل وإسحاق ؛ ( ۷ ) خدای متعال این بچه را به حضرت ابراهیم داده بود و خب پیدا است چقدر انسان به فرزند اواخر عمر و دوران پیری دلبسته است. به این فرزند که حالا «قُلُومًا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيُ» ( ۸ ) - یک جوانی و یا نوجوانی شده - گفت می‌خواهم تو را به قتل برسانم، این دستور خدا است. آن جوان هم گفت: یا أَبَتِ اقْعَلْ ما تَوْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنْ الصَّائِرِينَ. ( ۹ ) ببینید اینها حوادث عجیب تاریخ دین، تاریخ دین‌داری، تاریخ ایمان، تاریخ اسلام است. ما در گذشته‌ی خودمان، در سابقه‌ی دین‌داری خودمان اینها را داریم، که پدر پیر حاضر است جوان خودش را به دست خودش به خاطر دستور خداوند قربانی کند و جوان هم با کمال میل و طوع و رغبت می‌گوید: اقْعَلْ ما تَوْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّائِرِينَ ؛ خواهی دید که من تحمل می‌کنم. این هم خاطره‌ی عید قربان است که خب این دهه‌ی اول، دهه‌ی این جور خاطره‌های شکوهمند و پرمعنا و راهنمایی‌کننده است.

دهه‌ی دوّم و سوّم ذی‌حجه ؛ یادآوری برتری جایگاه ولایت  
دهه‌ی دوّم ذی‌حجه، دهه‌ی ولایت است و مسئله‌ی غدیر که در روایت هست که «ما نودی أَحَدًا بِشَيْءٍ مِثْلُ ما نودی بولایة» ؛ از همه‌ی احکام الهی، این ولایت جایگاه برتری دارد، چون تأمین‌کننده و تضمین‌کننده‌ی همه‌ی احکام الهی است که خب ماجرای غدیر و آن داستان بسیار مهم [بیانگر آن است].

دهه‌ی سوّم هم باز دهه‌ای است که در آن هم حوادث مهمی وجود دارد ؛ از جمله و شاید مهم‌ترینش داستان مباحله است که آنجا هم مسئله، مسئله‌ی توحید است ؛ یعنی بحث پیغمبر با مسیحیان آن روز، نصاری نجران که به مباحله منتهی شد، بحث درباره‌ی حضرت عیسی بود که حضرت می‌فرمودند حضرت عیسی بنده‌ی خدا و پیغمبر خدا است، آنها چیزهای دیگری میگفتند ؛ قرار شد مباحله کنند که بعد در قضایای مباحله که معروف است و شنیده‌اید آنها مجبور شدند عقب‌نشینی کنند.

خب امیدواریم ان شاء الله که این روز بر شما مبارک باشد ؛ این دهه را با مبارکی گذرانده باشید و دو دهه‌ی بعد ذی‌حجه را هم ان شاء الله آن چنان که رضای الهی است و آن چنان که خوشبختی ملت عزیز ما است بگذرانیم.

دلیل محرومیت اینجانب از دیدارهای مردمی  
خب یکی از دل‌خوشی‌های بنده، همیشه در طول این سالهای متمادی، دیدارهای با مردم بوده ؛ یکی از دلبستگی‌های اینجانب و حوادث پُر جاذبه برای من، دیدار با مردم بوده که یک چیزی بشنوم، یک چیزی بگویم و با طبقات مختلف مردم دیدار کنیم ؛ این دشمن حقیر و خطیر یعنی ویروس کرونا - که هم خیلی حقیر و صغیر است، هم خیلی



خطرناک و خطیر است - مانع شده است ؛ و این را هم مثل خیلی از دلبستگی‌های دیگر، از ما گرفته. قرار بود ما به خاطر محرومیت از دیدار مردم، [به جای] این برنامه‌ای که الان داریم، با خدمتگزاران وادی سلامت و کمک مؤمنانه و مانند اینها دیدار تصویری داشته باشیم ؛ که تعدادی از آنها طبعاً در یک جایی باید جمع میشدند. بعد گفتند که مصوبه‌ی ستاد ملی کرونا این است که بیش از ده نفر جمع نشوند ؛ آن را هم ما تعطیل کردیم به خاطر این [مصوبه]، و تبدیل شد به این دیدار امروز که به شکل دورادور با شما مردم عزیز صحبت میکنیم.

ایثارگری مثال‌زدنی ملت ایران در بلایای طبیعی و دفاع مقدس، و این ابتلاء همگانی اخیر چند موضوع را من مطرح میکنم. موضوع اول، همین مسئله‌ی خدمت و کارهای بزرگی است که در واقع، مجاهدان سلامت و خدمت امروز دارند انجام میدهند و باید ان شاءالله ادامه پیدا کند. خب امروز همه‌ی دنیا با یک ابتلاء همگانی مواجهند ؛ یعنی مخصوص جای خاصی نیست ؛ امروز همه‌ی دنیا، همه‌ی کوه‌ی زمین تقریباً مبتلا به این حادثه‌اند ؛ بعضی کمتر، بعضی شدیدتر ؛ و شاید در بسیاری از جاها هم افرادی از آحاد مردم هستند که به گرفتارها و مبتلایان و مانند اینها کمکهایی میکنند، کم و بیش یک جاهایی کمکهایی هست لکن هیچ جا گمان نمیکنم مثل کشور ما، مثل ایران عزیز ما باشد که تعداد کسانی که داوطلبانه به یک چنین کمکهایی اقبال میکنند، این همه زیاد باشد ؛ بنده سراغ ندارم و شنیده‌ام و گزارشی ندارم از اینکه در جایی از کشوری از کشورهای دنیا این همه تحرک مردمی و پشتیبانی‌های مردمی وجود داشته باشد ؛ که این از خصوصیات ملت ما در ایثارگری است ؛ هم در بلایای طبیعی مثل سیل و زلزله و امثال اینها، هم در بلایای غیر طبیعی مثل تحمیل جنگ. در هشت سال دفاع مقدس همین حرکت عظیم ایثارگرانه‌ی مردمی بود که این حماسه‌ی بزرگ را به وجود آورد و جبهه‌ها را به آن شکل آراست که تا آخر در تاریخ ما یک دوران برجسته‌ای است. امروز هم همین جور است ؛ در همین قضیه مشاهده شد. خب مجموعه‌های درمانی صفوف مقدّم بودند ؛ پزشکان و پرستاران و بقیه‌ی عوامل درمانی واقعاً فداکاری کردند که دیگر زبان قاصر است از اینکه بخواهد اهمیت فداکاری اینها را بیان کند. پشت سر اینها هم داوطلبانی بودند که وارد شدند، در زمینه‌ی مسائل سلامت کمک کردند و کارهایی را که غیر متخصصین میتوانند انجام بدهند، بعضی از اینها فرا گرفتند و انجام دادند و کارهای بزرگی در این زمینه انجام گرفت، که باید الان با توجه به اوج دوباره‌ی این بیماری، همین خدمات و این پشتیبانی‌ها باز هم انجام بگیرد.

لزوم تداوم کمک مؤمنانه ؛ در جهت جبران مشکلات و آسیب‌های جدی مردم یک مسئله هم مسئله‌ی کمک مؤمنانه است. عده‌ای از مردم در این حوادث یجد آسیب دیدند ؛ البته برای اغلب مردم از لحاظ کسب و کار و درآمد و زندگی و مانند اینها مشکلاتی پیدا شد لکن همه دچار آسیب‌های جدی نشدند ؛ اما یک عده‌ای واقعاً دچار آسیب‌های جدی شدند و مشکلات فراوانی برایشان پیش آمد. این را باید جبران کرد ؛ چه کسی جبران کند؟ مردم. نمیشود همه‌ی بار را بر دوش دولت گذاشت ؛ البته مسئولین دولتی و شبه‌دولتی وظایفی دارند که باید انجام بدهند و انجام هم میدهند. ما مطلعیم که دارند کار میکنند لکن اینها کافی نیست و بایستی عموم مردم همچنان که در آن جریان اول کمک مؤمنانه در آستانه‌ی ماه رمضان وارد شدند و به معنای واقعی کلمه کمک کردند، باز هم همین [کار] انجام بگیرد. این «تسابق الی الخیرات» ( ۱۰ ) است. ما در قرآن چند جا داریم که «يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ» ؛ ( ۱۱ ) یا «يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ». ( ۱۲ ) یک جا [دارد] «أُولَئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ» ؛ ( ۱۳ ) چند جا [دارد] «فَاسْتَيْقُوا الْخَيْرَاتِ»، ( ۱۴ ) یعنی مسابقه گذاشتن که قرآن به معنای واقعی کلمه به ما میگوید در کار خیر و کمکهایی مؤمنانه مسابقه بگذارید ؛ یعنی سعی کنید شما جلوتر از دیگران حرکت کنید و [پیش] بروید. و این کار به نظر من مهم است ؛ حتی این اطعامهای محرم را هم که در



آن ایام بعضی از هیئات، بعضی از مردم که توانایی‌هایی دارند و نذری و اطعام و مانند اینها درست میکنند، میشود به این شکل کمک مؤمنانه به خانواده‌ها و به شکل کاملاً پاکیزه و دور از مشکل سرایت [بیماری] و مانند این حرفها انجام داد. انقلابیگری به معنای واقعی کلمه اینها است؛ یعنی اینها جزو مسائل قطعی انقلابیگری است. انقلابیگری با زبان نیست، با عمل است؛ عمل جلوتر از زبان بایستی انسان را راه ببرد؛ و واقعاً کسانی که در این زمینه‌ها فعالیت میکنند، کار انقلابی انجام میدهند و این [کارها] انقلابیگری است. البته بعضی هم ممکن است که آمادگی نداشته باشند؛ یعنی این جور نیست که همه بتوانند کارهای برجسته‌ای در این زمینه انجام بدهند، لکن وقتی که می‌بینند یک کسانی در آن صفوف مقدّم با پیشتازی و علاقه و شوق حرکت میکنند، اینها هم به شوق می‌آیند و بالاخره در بین صفوف یک جایی برای خودشان پیدا میکنند و آنها هم وارد این میدان میشوند.

پارسال -در اوّل سال ۹۸- در سیل خوزستان، شهید سلیمانی و شهید ابومهدی مهندس، هر دو در کف میدان حضور داشتند و دو طرف مرز را به هم وصل کردند. یعنی شهید ابومهدی موجب شد امکانات و وسایلی را که در خوزستان لازم بود، از آن طرف مرز، از داخل عراق، از بصره و بقیّه‌ی جاها بیاورند داخل کشور؛ که کمک بسیار بزرگی بود. خود این حضور این دو عزیز، دو ستاره‌ی برجسته‌ی میدان مجاهدت، موجب شد که کسان زیادی، هم در این طرف، هم در آن طرف به اینها نگاه کنند و وارد بشوند. البته در آن قضایا مردم ما امتحان خوبی دادند؛ هم در خوزستان، هم در بقیّه‌ی جاها از همه جا واقعاً شتافتند و کار کردند.

لزوم همکاری، تلاش، و تمرکز نیروها در برابر دشمنی‌ها

دشمنی، امروز با ملت ایران زیاد است. وقتی دشمنی زیاد شد، از این طرف همکاری باید زیاد بشود، تلاش باید زیاد بشود. وقتی دشمنی حمله میکند، انسان بایستی نیروهای خودش را متمرکز کند و مجتمع کند و کار کند؛ امروز این جوری است -حالا بعد شرح خواهم داد- دشمنها در صددند ملت ایران را اذیت کنند. همچنان که بنی‌اسرائیل حضرت موسی' را اذیت میکردند، این دشمنان ما هم که بعضی‌شان جزو بنی‌اسرائیلند، میخواهند ملت ما را که تابع پیغمبر و حضرت موسی' و حضرت عیسی' و بقیّه‌ی پیغمبران است اذیت کنند. وقتی میخواهند اذیت کنند، ما باید همه‌ی نیروهایمان را جمع کنیم، متمرکز کنیم، تلاش کنیم و کار کنیم؛ مثل دوران دفاع مقدّس.

البته یکی از کارهای مهمّی که در این دوران میشود انجام داد کار علمی است؛ که من اطلاع دارم در بخشهای مختلفی با جدّیت مشغولند برای شناسایی این ویروس، برای پیدا کردن وسیله‌ی پیشگیری از فعالیت این ویروس، برای پیدا کردن درمان بیماری این ویروس. کارهای زیاد علمی دارند انجام میدهند و خود این کارهای علمی‌ای که انجام میگیرد، دارای برکت است؛ یعنی کارهای مهمّی را به طور طبیعی برای ما پیش می‌آورد؛ همچنان که در دوران دفاع مقدّس هم همین جور بود؛ مثلاً فرض کنید شهید باقری را که یک جوانی بود در مثلاً یک روزنامه‌ای، در یک مجموعه‌ای مشغول کار و تلاش معمولی بود؛ وقتی که پای او به جنگ، به دفاع مقدّس باز شد، تبدیل شد به یک فرمانده و طراح برجسته‌ی نظامی؛ یعنی آن استعداد در او بروز کرد؛ اینجا هم همین جور است؛ ممکن است کسانی که در کارهای تحقیقاتی هستند، وقتی وارد این میدان میشوند، تبدیل بشوند به یک برجستگان و محققین بزرگی که کارهای بزرگی را ان شاء الله انجام بدهند. خب این راجع به مسئله‌ی خدمت.

اهداف آمریکا در مسئله‌ی تحریم‌ها:

مسئله‌ی بعدی که من مطرح میکنم، مسئله‌ی تحریمها است. خب، تحریمی که آمریکایی‌ها علیه ملت ایران به کار



گرفته‌اند، قطعاً یک جنایت است؛ یعنی در این تردیدی نیست، یک جنایت بزرگی است که اینها علیه یک ملت به کار میگیرند؛ حالا ظاهرش این است که علیه نظام جمهوری اسلامی است اما در واقع علیه همه‌ی ملت ایران این جنایت را دارند اینها انجام میدهند. در این باره من چند نکته را می‌خواهم عرض بکنم؛ یک نکته این است که هدف اینها از این کار چیست؛ یک هدف کوتاه‌مدت دارند، یک هدف میان‌مدت دارند، یک هدف بلندمدت دارند، و یک هدف جانبی.

#### ۱) هدف کوتاه‌مدت آمریکا؛ به ستوه آمدن ملت ایران

هدف کوتاه‌مدت آنها این است که مردم را به ستوه بیاورند؛ ملت ایران به ستوه بیایند، خسته بشوند، آشفته بشوند و در مقابل دستگاه حکومت بایستند؛ این هدف اول آنها است. می‌خواهند این قدر فشار بیاورند که مردم را به ستوه بیاورند تا موجب بشود مردم در مقابل نظام، در مقابل حکومت و دولت بایستند. این هدف کوتاه‌مدت اینها است؛ لذا می‌بینید که هم پارسال گفتند، هم پیرارسال گفتند، هم امسال گفتند: «تابستان داغ»؛ داغ یعنی مردم بیایند در مقابل نظام ایستادگی کنند. حالا خودشان مبتلا به تابستان داغ شده‌اند.

#### ۲) هدف میان‌مدت آمریکا؛ ایجاد مانع در برابر پیشرفت کشور

هدف میان‌مدت آنها این است که با این تحریم از پیشرفت کشور مانع بشوند؛ عمدتاً پیشرفت علمی. اینها را گفته‌اند، اینها حدسیات من و تحلیل من نیست، اینها حرفهایی است که لایه‌لای اظهارات خودشان -چه سیاستمداران، چه آنهایی که در اندیشکده‌ها دارند کار میکنند، اندیشکده‌های سیاسی و امثال اینها- به زبان آورده‌اند، اینها را گفته‌اند. هدف این است که با این تحریم، محدودیتهایی ایجاد کنند که کشور پیشرفت نکند و بخصوص در زمینه‌های علمی پیشرفت انجام نگیرد. حتی گفته‌اند و تصریح کرده‌اند که این شهادتهایی هم که انجام گرفت -شهادی هسته‌ای و مانند اینها- برای این بود که پیشرفت علمی کشور ایران عقب بیفتد. این هم هدف میان‌مدت اینها است.

#### ۳) هدف بلندمدت آمریکا؛ ورشکستگی دولت و فروپاشی اقتصاد

هدف بلندمدت‌شان هم به ورشکستگی کشاندن کشور است، به ورشکستگی کشاندن دولت است؛ یعنی متلاشی کردن اقتصاد کشور و فروپاشی اقتصاد کشور، که طبعاً اگر اقتصاد یک کشوری بکلی از هم فرو پاشد و متلاشی شد، ادامه‌ی حیات برای او ممکن نیست، هدف نهایی‌شان این است و می‌خواهند این کارها را هم بکنند.

#### ۴) هدف جنبی آمریکا؛ قطع رابطه‌ی جمهوری اسلامی با نیروهای مقاومت

هدف جنبی‌ای هم دارند که می‌خواهند به این وسیله رابطه‌ی جمهوری اسلامی را با دستگاه‌ها و نیروهای مقاومت در منطقه قطع کنند؛ چون میدانند جمهوری اسلامی هر چه بتواند به اینها کمک میکند، حمایت میکند؛ اینها می‌خواهند این رابطه را قطع کنند. اینها هدفهای دشمن است که اصلاً وارد شده برای اینکه این کارها را انجام بدهد؛ البته باید گفت «شتر در خواب بیند پنبه‌دانه»؛ دنبال این است که این سه هدف را -کوتاه‌مدت، میان‌مدت، بلندمدت- در کنار هم انجام بدهد که الحمدالله ناکام شده.

#### ناکامی دشمن در اهداف تحریم

البته تحریم مشکلاتی ایجاد کرده؛ در این شکی نیست. همه‌ی مشکلات هم مربوط به تحریم نیست؛ مقداری





مربوط به ضعفهای ما در مدیریت کشور است، مقداری هم در این اواخر مربوط به کرونا است، مقداری هم مربوط به تحریم است؛ مشکلات هست؛ [مثل] وضع معیشت مردم که حالا من بعد برمیگردم به این قضیه. مشکلاتی وجود دارد اما آنچه آنها میخواستند نشده و نخواهد شد؛ آن چیزی که آنها در ذهنشان بوده نشده، این خواب آشفته‌ی این دشمن خبیث تعبیر نشده. اتفاقاً همین تعبیر نشدن این خواب و تحقق نیافتن مقاصد اینها را هم خودشان اعتراف میکنند؛ الان در خبرهای فراوانی که از جاهای متعددی -از غرب، از آمریکا، از اروپا- میرسد، و افرادی که در همین اندیشکده‌ها مشغول کارند، دارند اعتراف میکنند و میگویند فشار شدید تحریم و شدت عملی که آمریکا به خرج داد، به مقصود نرسید و نتوانستند آن کاری که در مورد ایران میخواستند انجام بدهند انجام بدهند. این نکته‌ی اول؛ بنابراین تحریم یک جنایتی بود با این هدفها و دشمن به این هدفها بحمدالله نرسیده و نخواهد رسید.

#### جریان تحریف حقایق به موازات تحریم

نکته‌ی دوم: به موازات تحریم -این را درست توجه کنید- یک جریان تحریف هم هست؛ در کنارش یک جریان تحریف هست؛ تحریف حقایق، واژگون نشان دادن واقعیات؛ چه واقعیات کشور ما، چه واقعیات مرتبط با کشور ما؛ این هم یکی از کارهایی است که آنها انجام میدهند. هدف از این تحریف دو چیز است، دو کار را میخواهند انجام بدهند: یکی، ضربه به روحیه‌ی مردم است که حالا من عرض میکنم که چه جوری میخواهند به روحیه‌ی مردم ضربه بزنند؛ یکی [هم] آدرس غلط دادن برای رفع مشکل تحریم است. این تحریف در این زمینه‌ها است و با این دو هدف دارد انجام میگیرد. پول زیادی هم دارند خرج میکنند برای اینکه این حقایق را تحریف کنند. الان هم ملاحظه میکنید که همین رؤسایشان، وزیرشان، رئیسشان، دیگران، خودشان را دارند خفه میکنند از بس به اینجا و آنجا سفر کنند، علیه ایران حرف بزنند، مصاحبه کنند، در هر قضیه‌ای اسم ایران را یک جوری بیاورند؛ واقعاً دارند خودشان را خفه میکنند، و این جریان تحریف است که وجود دارد.

#### تضعیف روحیه و نشاط و تحرک و امید مردم توسط دشمن، از اول انقلاب

اما آن مسئله‌ی اول که تضعیف روحیه‌ی مردم و تضعیف کردن نشاط و تحرک و امید مردم است، از اول انقلاب بوده. از اول انقلاب، خط ثابت دشمن همین بود که خطاب به مردم ایران، به وسیله‌ی تلویزیون‌ها، رادیوها -البته آن وقت محدودتر بود، حالا که دیگر وسیع هم شده و انواع و اقسام راه‌های ارتباطی وجود دارد- به مردم ایران تفهیم کنند که بیچاره شدید، دیگر مثلاً کارتان تمام است و هیچ کاری از عهده‌ی کسی برای شما برنمی‌آید، اوضاعتان خراب است و غیره؛ از اول انقلاب -یعنی از اوایل انقلاب، که حالا یک مقداری اول انقلاب گیج بودند، [بعد] به خود آمدند و جریان تبلیغی را علیه کشور پیش گرفتند- یکی از هدفها همین بوده که به مردم ایران بگویند با قطع ارتباط با آمریکا، با گسستن پیوندی که بین ایران استعماری دوران پهلوی با آمریکا بود، پدر ملت ایران درآمده. این را از اول [دنبال میکردند]؛ الان هم همین است؛ الان هم دارند همین را دنبال میکنند، اوضاع را بد جلوه میدهند، با صدها زبان، با صدها وسیله. اگر نقطه‌ی قوتی در کشور باشد که مطلقاً انکار میکنند؛ یا به سکوت برگزار میکنند یا انکار میکنند. خب، کارهای خوبی در کشور دارد انجام میگیرد؛ مطلقاً [حتی] یکی از اینها در تبلیغات خارجی دشمنان ما منعکس نیست. نقطه‌ی ضعفی اگر وجود داشته باشد، آن را دوبرابر میکنند، گاهی صدبرابر میکنند که این نقطه‌ی ضعف را بزرگ کنند؛ برای چیست؟ برای این است که روحیه‌ی مردم تضعیف بشود؛ امید مردم، بخصوص امید جوانها؛ چون وقتی امیدوار باشند، تحرک جوانها، تحرک فوق‌العاده است، جوانها پیشتازند، پیش‌رانند؛ اگر چنانچه امید از آنها گرفته شد، متوقف میشوند، مثل ماشینی که بنزینش تمام میشود، این جور [متوقف] میشوند.



اینها هست، هدفشان این است، میخواهند جوانهای ما را ناامید کنند، نشاط را از آنها بگیرند، تحرک را از آنها بگیرند و جوری بشود که جوانها تحرک و پیشتازی و پیشگامی خودشان را نداشته باشند. این هدف اینها است و البته در بعضی‌ها اثر هم میکند. در داخل هم کسانی همین حرفهای آنها را تکرار میکنند؛ یک خبری را فرض بفرمایید در نوشته یا اظهارات فلان کسی که جزو مجموعه‌های سیاسی است انسان می‌شنود، دو روز بعد میبیند که یا در فضای مجازی، یا در فلان روزنامه در کشور ما همان منعکس میشود. از این کارها متأسفانه هست در داخل.

شرط شکست تحریم: شکست جریان تحریف در عرصه‌ی جنگ اراده‌ها  
در آن بخش دوّم، [یعنی] آدرس غلط دادن، آدرس دادن‌شان این جوری است که میگویند «اگر میخواهید تحریم برطرف بشود، در مقابل آمریکا کوتاه بیایید»؛ خلاصه‌ی حرف این است که باید کوتاه بیایید در مقابل آمریکا، باید ایستادگی نکنید، که حالا من بعداً درباره‌ی این، با تفصیل بیشتری صحبت خواهم کرد. این هم جریان تحریف. البته من به شما عرض بکنم که بله، بعضی‌ها تحت تأثیر قرار میگیرند، و همان مطلبی را که آنها میگویند تکرار میکنند؛ چه در مورد ضعفهای کشور که ده‌برابر میشود، چه در مورد کم‌نشان دادن و کوچک‌نشان دادن نقطه‌قوت‌ها و پیشرفتهای کشور، چه در مورد آدرس غلط دادن. خب این در بعضی‌ها اثر میکند اما در اکثر مردم، در غالب ملت ایران اثر نمیکند. [غالب مردم] شناخته‌اند آمریکا را، شناخته‌اند دشمن را، میدانند که اینها دروغ میگویند، میدانند که اینها مغرضانه حرف میزنند؛ پس جریان تحریف هم به نتایج مورد نظر آنها نرسیده. و من به شما بگویم که اگر جریان تحریف شکست بخورد، جریان تحریم قطعاً شکست خواهد خورد؛ زیرا که عرصه، عرصه‌ی جنگ اراده‌ها است؛ وقتی جریان تحریف شکست خورد و اراده‌ی ملت ایران همچنان قوی و مستحکم باقی ماند، قطعاً بر اراده‌ی دشمن فائق می‌آید و پیروز خواهد شد. این هم نکته‌ی دوّم.

خودکفایی و اتکاء به نفس ملّی، در نتیجه‌ی تحریم

نکته‌ی سوّم؛ خب گفتیم شکی نیست که تحریم یک جنایتی است از طرف آمریکا، ضربه‌ای است که آمریکا حواله کرده به ملت ایران؛ لکن ایرانی زیرک از این حمله، از این دشمنی حُسن استفاده را کرده و سود برده؛ یعنی کارهایی کرده که به کوری چشم دشمن و بر خلاف نظر دشمن تحقق پیدا کرده. مردم ما، جوانهای ما، مسئولین ما، دانشمندان ما، فعالان سیاسی و اجتماعی ما این تحریم را وسیله‌ای قرار دادند برای اینکه اتکاء به نفس ملّی را افزایش دهند. میدانید دیگر که تحریمهای ثانویه یعنی آمریکا به همه‌ی شرکتهای، به همه‌ی کشورها، به همه‌ی افراد میگوید که شما حق ندارید مثلاً فلان جنسی را که ایران لازم دارد به او بدهید؛ خب طبعاً آن چیزی که ما لازم داریم از خارج بیاوریم، به دست ما نمیرسد؛ این موجب شد که کسانی در داخل، در موارد متعدّد -یک مورد و دو مورد نیست، صدها مورد است- وقتی که دیدند دستشان به خارج نمیرسد، به فکر بیفتند که در داخل تولید کنند.

فرض کنید ما در نیروهای مسلّح احتیاج داشتیم به هواپیمای جت آموزشی، خب به ما نمیفروختند؛ ما چه کار کردیم؟ آمديم هواپیمای جت پیشرفته‌ی آموزشی کوثر را در داخل درست کردیم. اگر به ما هواپیمای جت آموزشی نمیفروختند، ما امروز تولید جت آموزشی کوثر را در داخل نداشتیم؛ یا بسیاری از ماشینهای ما، کارخانه‌های ما به قطعات گوناگون احتیاج داشتند؛ این قطعات را دشمن تحریم کرده بود، نمیگذاشت قطعات را وارد کنیم. اول گفتند قطعاتی که دوگانه است، یعنی در دو جور کار نظامی و غیر نظامی از آن استفاده میشود [تحریم است]؛ بعد تعمیم دادند، نگذاشتند. این موجب شد که در داخل، نهضت قطعه‌سازی به راه بیفتد. الان در کشور خوشبختانه نهضت قطعه‌سازی به راه افتاده و قطعه‌های گوناگون، قطعات بسیار حسّاس و ظریف برای دستگاه‌های مختلف را در



کشور راه می‌اندازند. این [قطعات] را اگر چنانچه به ما میدادند، در داخل کسی به فکر نمی‌افتاد. خب [اگر] کارخانه‌دار احتیاج داشت، میرفت از خارج وارد میکرد و می‌آورد؛ وقتی که نمیشود از خارج وارد کند، می‌آید سراغ دانشگاه، می‌آید سراغ پژوهشگاه، پژوهشگاه، از آنها میخواهد، آنها هم تلاش میکنند و برایش درست میکنند. بنابراین ما از همین تحریم هم توانستیم به توفیق الهی و به مدد الهی استفاده کنیم در خدمت شکوفایی علمی کشور؛ این هم نکته‌ی سوّم.

کارهای مهمّ اقتصادی و نظامی و علمی در کشور، دلیل ناکامی دشمن در تحریم نکته‌ی چهارم؛ خب، گفتیم که تحریم اثر نکرد؛ یعنی به اهداف مورد نظر دشمن نرسید؛ دلیلش چیست؟ دلیلش کارهای مهمّی است که در دوران تحریم در کشور انجام گرفت؛ فرض بفرمایید، چند هزار شرکت دانش‌بنیان در کشور درست شد؛ این کار مهمّی است؛ پیدا است که حرکت علمی کشور و حرکت اقتصادی کشور با قدرت بیشتری در جریان است. ما قبل از این تحریم‌های شدید، این چند هزار شرکت دانش‌بنیان را نداشتیم؛ یا فرض بفرمایید پالایشگاه ستاره‌ی خلیج فارس که به وسیله‌ی سپاه درست شد؛ کار بسیار عظیمی است، کار بزرگی است؛ این در دوران تحریم انجام گرفت، و با وجود تحریم انجام گرفت، که مردم دنیا تعجب میکنند؛ یا کارهای بسیار بزرگی که در بخش‌های نظامی شده؛ یا کارهای بسیار بزرگی که در پارس جنوبی شده - در پارس جنوبی که منطقه‌ی مهمّ گازی است، کارهایی انجام گرفته در حال تحریم - یا طرح‌های عظیم احیای اراضی خوزستان و ایلام که یکی از کارهای مهم است؛ من نمیدانم اینها چقدر تبلیغ شده، چقدر به مردم گفته شده؛ کارهای بزرگی انجام گرفت در احیای زمینهای نیازمند زه‌کشی در ایلام و در خوزستان، عمدتاً در خوزستان و مقداری در ایلام؛ زمینهای زیادی احیا شد و مورد استفاده قرار گرفت. این کارها همه در دوران تحریم انجام گرفت.

جدایی اقتصاد کشور از صادرات نفت خام؛ از نتایج تحریم یا طرح‌های وزارت نیرو که قبلاً هم من اشاره کردم که طرح‌های مهمّی است - هم در زمینه‌ی آب، هم در زمینه‌ی برق - و همچنین طرح‌های وزارت راه و بعضی طرح‌های دیگر و بالاخره تولیدات شگفت‌آور دفاعی ما که اینها واقعاً عجیب است، اینها را خودشان هم اعتراف کردند که ایران در دوره‌ی تحریم توانست یک چنین مصنوعات دفاعی را به وجود بیاورد. و به نظر من یکی از چیزهایی که در این زمینه در این فهرست می‌گنجد و قرار می‌گیرد، عبارت از تمرین جداسازی اقتصاد کشور از نفت است. این خیلی کار سختی است، بنده هم سالها بود این را مدام در دولتهای مختلف تذکر میدادم، خیلی پیش نمیرفت [اما] الان به طور طبیعی این جور شده است. نفت ما را خب کمتر می‌خرند یا خیلی کم می‌خرند؛ یعنی همه‌ی مشتری‌های قبلی ما به مقدار کافی نفت نمی‌برند. این موجب شده که ارتباط اقتصاد کشور با نفت که بسیار ارتباط مضر و زیان‌باری بود، کم بشود و ان شاء الله این یک تمرینی است که ما بتوانیم این [کار] را بعداً ادامه بدهیم. البته منظورم از نفت، نفت خام است و الا با نفتی که ارزش افزوده در داخل پیدا کند و محصولاتش صادر بشود، بنده هیچ مخالفتی ندارم. آنچه بنده روی آن تکیه میکنم، صادرات نفت خام است. ان شاء الله حالا امیدواریم با پیگیری بیشتر دولت و مجلس این [کار] انجام بگیرد و ظرفیتهای فراوانی در کشور هست که میتواند جایگزین نفت بشود و مشکل بودجه‌ی ما را ان شاء الله حل کند.

ایستادگی در مقابل آمریکا، علاج تحریم

نکته‌ی پنجم این سؤال است که آیا این تحریم قابل علاج است یا نه؟ جواب [اوّل] این است که قطعاً قابل علاج است؛ جواب دوّم این [است] که قطعاً این علاج، این نیست که ما در مقابل آمریکا عقب‌نشینی کنیم. بعضی‌ها این





جوری بحث میکنند و این را ترویج میکنند که اگر میخواهید جلوی زیاده‌خواهی و زورگویی آمریکا گرفته بشود، عقب‌نشینی کنید؛ نه آقا، به طور طبیعی وقتی شما در مقابل آن کسی که اهل تجاوز و زیاده‌خواهی است عقب نشستید، او جلو می‌آید؛ این [یک] چیز روشن و قهری است. [اگر] شما عقب‌نشینی کنید، خواسته‌های آمریکا را قبول کنید، او خواسته‌های جدیدی مطرح خواهد کرد. امروز حرف آمریکا با ما این است که شما صنعت هسته‌ای را بکلی کنار بگذارید؛ امکانات دفاعی‌تان را به یک‌دهم تقلیل بدهید، یعنی همین موشکها و امکانات دفاعی‌ای را که ما داریم و خود این بازدارنده‌ی دشمن است کنار بگذارید و خودتان را بی‌دفاع کنید؛ اقتدار منطقه‌ای خودتان را رها نکنید؛ ما یک عمق راهبردی در منطقه داریم که خیلی از ملتها و دولتهای منطقه طرفدار ما هستند، علاقه‌مند به ما هستند و حاضرند در خدمت هدفهای ما تلاش کنند، این را میگویند کنار بگذارید؛ آمریکا اینها را از ما میخواهد. از اینها صرف‌نظر کردن موجب نمیشود که او عقب‌نشینی کند. وقتی که شما حاضر شدید امکان دفاعی‌تان را کم کنید، حاضر شدید که اقتدار منطقه‌ای‌تان را نابود کنید، حاضر شدید صنعت هسته‌ای را که حیاتی است برای کشور ما، بکلی کنار بگذارید، او که قانع نمیشود، او یک چیز جدیدی مطالبه خواهد کرد، یک درخواست جدید را مطالبه میکند. و هیچ عقلی حکم نمیکند که ما برای اینکه متجاوز را وادار کنیم به توقف، خواسته‌ی او را برآورده کنیم.

انرژی هسته‌ای؛ نیاز قطعی فردای کشور

ببینید، یک عده‌ای متأسفانه تحت تأثیر همین حرفهای دشمن میگویند «آقا [انرژی] هسته‌ای به چه درد ما می‌خورد؟» همینهایی که در روزنامه‌ها و مانند اینها گاهی یک چیزی مینویسند. من [قبلاً] گفتم که [انرژی] هسته‌ای نیاز قطعی فردای کشور ما است. (۱۵) ما تا چند سال دیگر حداقل به بیست هزار یا سی هزار مگاوات برق ناشی از انرژی هسته‌ای نیاز داریم؛ که این را از راه دیگر نمیتوانیم به دست بیاوریم یا مقرون‌به‌صرفه نیست. خب آن روزی که ما احتیاج پیدا کردیم، چه کار کنیم؟ برویم در خانه‌ی چه کسی؟ از آمریکا، از اروپا درخواست کنیم، گدایی کنیم که آقا بیا بیا به ما برق هسته‌ای بدهید یا بیا بیا برای ما غنی‌سازی راه بیندازید؟ میکنند؟ ما امروز بایستی فکر فردا را بکنیم. این نیازها، نیازهایی نیست که در ظرف شش ماه و یک سال و دو سال تأمین بشود، اینها را باید از قبل آماده کرد؛ ما این را آماده کرده‌ایم، زمینه‌اش را فراهم کرده‌ایم. خب با اینکه حالا در برجام خسارت فراوانی در این زمینه به ما وارد شد، اما خوشبختانه اصل این کار محفوظ است و کارهای بزرگ و خوبی هم در این زمینه دارد انجام میگیرد؛ دشمن این را نمیخواهد؛ در زمینه‌ی مسائل دفاعی و موشکی هم همین جور است.

علت مخالفت جمهوری اسلامی در مذاکره با آمریکا

اینکه آمریکایی‌ها میگویند بیا بیا مذاکره کنیم، مذاکره‌شان سر این چیزها است. خواهش میکنم همه این را توجه کنند! البته من این را بارها گفته‌ام، باز هم ناچارم بگویم، چون بعضی‌ها یا متوجه نمیشوند یا وانمود میکنند متوجه نشده‌اند؛ اینکه دشمن میگوید بیا بیا مذاکره کنیم، یعنی اینکه شما بیا بیا پشت میز مذاکره بنشینید و ما به شما بگوییم باید شما موشک نسازید، شما هم باید قبول کنید؛ اگر قبول کردید که خب پدرتان درآمده؛ یعنی خودتان را بی‌دفاع کرده‌اید؛ اگر قبول نکردید، همین آتش است و همین کاسه؛ باز هم دعوا، باز هم تحریم، باز هم تهدید؛ مذاکره یعنی این؛ دلیل اینکه بنده میگویم با آمریکا مذاکره نمیکنیم، این است که این مذاکره [نتیجه ندارد]؛ البته او سود میبرد از مذاکره؛ این بنده خدا، پیرمردی که الان سر کار است در آمریکا، مثل اینکه از مذاکره‌ی با کره‌ی شمالی یک مقدار استفاده‌ی تبلیغاتی کرد؛ این میخواهد استفاده کند، حالا برای انتخابات، برای غیر انتخابات، دنبال استفاده‌ی شخصی خودش است اما فراتر از اینها، نظام سیاسی آمریکا ادعای مسائل حیاتی را در مورد جمهوری اسلامی ایران دارد؛ یعنی میگوید شما امکانات دفاعی‌تان را کنار بگذارید، شما اقتدار منطقه‌ای‌تان را کنار بگذارید،



شما قدرت ملی‌تان را کنار بگذارید. خب اینها که نمیشود؛ انسانی که با شرف است و علاقه‌مند به حفظ مصالح کشور است که زیر بار این حرفها نمیرود؛ مذاکره یعنی این؛ اینکه بنده مخالفت میکنم با مذاکره، معنایش این است؛ والا ما با همه جای دنیا غیر از آمریکا و غیر از رژیم جعلی صهیونیست مذاکره میکنیم؛ با همه ارتباط داریم، مذاکره میکنیم، می‌نشینیم، پا می‌شویم، مشکلی نداریم؛ مسئله‌ی آمریکا این است.

لزوم تکیه بر توانایی‌های ملی، پیگیری اقتصاد مقاومتی، با مدیریت جهادی این هم یک مسئله که پس بنابراین تحریم قطعاً قابل علاج است اما علاجش عقب‌نشینی نیست. علاجش چیست؟ علاج تحریم فقط و فقط تکیه بر توانایی‌های ملی است. باید این توانایی‌ها را هر چه داریم نگه داریم، دنبال کشف توانایی‌های جدید باشیم - که قطعاً هم توانایی‌های ما زیاد است - و به آنها تکیه کنیم و آنها را احیا کنیم، جوانهای خودمان را وارد میدان بکنیم و ارکان اقتصاد مقاومتی را - یعنی درون‌زایی و برون‌گرایی - [دنبال کنیم]. ما، هم امکاناتی در درون داریم، هم امکانات بین‌الملل داریم. ما، هم میتوانیم در داخل تولید کنیم و امکانات فراوان گوناگون علمی، اقتصادی و غیره بجوشد از داخل، هم میتوانیم در عرصه‌ی جهان، عرصه‌ی بین‌الملل [فعّالیت کنیم]. ما دوستان خوبی داریم، با این دوستان میتوانیم کار کنیم. تلاش لازم دارد، مجاهدت لازم دارد. در اقتصاد مقاومتی، درون‌زایی هم هست، برون‌گرایی هم هست و ما در هر دو مورد امکانات فراوانی داریم که میتوانیم آنها را انجام بدهیم. ظرفیتهایمان واقعاً بی‌پایان است و هر چه پیش برویم ظرفیتهای جدیدی پیش می‌آید که البته باید با مدیریت جهادی اینها به دست بیاید؛ با تدبیر واقعی و با مدیریت جهادی اینها به دست می‌آید.

ما دوستان مؤثری در دنیا داریم. البته این جور نیست که ما به دولتهای دوست خودمان تکیه بکنیم؛ نه، تکیه‌ی ما به خدای متعال و به خودمان است. ما اگر چنانچه دوستان قدرتمندی هم در دنیا نداشته باشیم، کار خودمان را میکنیم و پیش می‌رویم.

در دوره‌ی دفاع مقدّس، هم جبهه‌ی شرق با ما مخالف بود، هم جبهه‌ی غرب با ما مخالف بود؛ هم شوروی آن روز ضدّ ما و دشمن ما بود، هم آمریکا و اروپای آن روز ضدّ ما بودند؛ ما بدون اینها توانستیم هشت سال مقاومت کنیم و دشمن را شکست بدهیم؛ توانستیم صدّام را به زانو دریاوریم و به خاک سیاه بنشانیم؛ این کار را توانستیم بکنیم؛ یعنی تکیه‌ی ما به خدا است، تکیه‌مان به خودمان است ولی خب از امکانات دوستانمان حدّاکثر استفاده را ان شاء الله میکنیم.

دشمنی‌های خارجی و خیانت‌های داخلی نسبت به خودکفایی

و این را هم بدانید که تکیه‌ی به امکانات داخلی، دشمن دارد؛ یک عده دشمنهای خارجی‌اند، یک عده هم بدخواه‌های داخلی‌اند؛ آن [کسی] که فرض بفرمایید برای منافع خودش - چون از واردات یک منفعتی، یک سود حقیری میبرد - حاضر است جنسی را که در داخل تولید میشود، برود از خارج بیاورد و رقابت درست کند و کارخانه‌ی داخلی را به خاک سیاه بنشاند، دارد خیانت میکند؛ این را به شما عرض بکنم. متأسّفانه با اینکه بنده تأکید کردم و سفارش کردم، باز مشاهده میشود که در مواردی یک جنسی را که در داخل دارد تولید میشود، نوع خوبش هم تولید میشود، در عین حال میروند از خارج آن را وارد میکنند، آن کارخانه‌دار بیچاره‌ای که سرمایه گذاشته و زحمت کشیده و تولید کرده، جنسش روی دستش میماند؛ ما باید حواسمان باشد که این مخالفتها و این دشمنی‌ها در داخل هست.



از قدیم هم دشمنی با استقلال داخلی بوده؛ ببینید در [پیش از] ۱۵۰ یا ۱۶۰ سال پیش از این، امیرکبیر بود که میخواست اقتصاد کشور و توانایی‌های حیاتی کشور را مستقل کند؛ سفارت انگلیس با خبثتش، با رذالتش، با وسوسه‌هایی که درست کردند، ناصرالدین‌شاه را وادار کردند تا او را از صدراعظمی عزل کرد، بعد هم [او را] به قتل رساندند؛ کار انگلیس‌ها بود. همین جور در قضایای ملی شدن صنعت نفت، که تا ملت ایران آمد روی پای خودش بایستد، آن حوادث بیست‌وهشتم مرداد و آن قضایای آمریکا و انگلیس را به وجود آوردند. بعد از انقلاب هم که به طور واضح دارند با همه‌ی مسائل مخالفت میکنند؛ باید توجه داشت که این هم دشمن جدی و اساسی دارد.

وعده‌های پوچ اروپایی‌ها بعد از خروج آمریکا از برجام به وعده‌های این و آن هم نباید تکیه کرد؛ من این را عرض کرده‌ام، اینجا هم باز هم عرض بکنم: ببینید، اوایل سال ۹۷- دو سال قبل از این- که آمریکا از برجام خارج شده بود، مرتب ما گفتیم باید اروپایی‌ها چنین کنند، چنان کنند؛ آنها گفتند باشد، مثلاً تا سه ماه دیگر صبر کنید، تا چهار ماه دیگر صبر کنید؛ بعد که چهار ماه شد گفتند تا پنج ماه دیگر، شش ماه دیگر؛ همین طور ما را عقب انداختند، یعنی اقتصاد کشور را شرطی کردند، اقتصاد کشور را وابسته کردند؛ سرمایه‌گذار ما، تاجر ما، صادرات چی ما و عناصر فعال اقتصادی ما در داخل معطل ماندند ببینند بالاخره اروپا یک کاری میکند یا نمیکند؛ این خیلی برای اقتصاد کشور مضر است. به وعده‌های اینها نبایستی اعتماد کرد، اینها تخلف میکنند. کشور را چشم‌انتظار اقدام این و آن نباید قرار داد؛ باید ما خودمان کار خودمان را بکنیم.

اروپایی‌ها هم هیچ کار نکردند؛ آخرین ابتکار آنها یک بازیچه‌ی چرندی به نام اینستکس (۱۶) بود که البته آن هم تحقق پیدا نکرده، آن هم تا الان نشده؛ خلاصه‌ی اینستکس این است که ایران پولهایی را که از جاهای دیگر طلب دارد، بدهد به حضرات اروپایی‌ها- مثلاً فرانسه، انگلیس- که آنها هر جنسی که مصلحت میدانند، بخرند برای ایران بفرستند؛ این معنای اینستکس است؛ که خود این یک چیز مضر غلطی است و البته همین را هم انجام نداده‌اند و نکرده‌اند. علاج تحریم، فعال کردن ظرفیتهای داخلی است؛ البته این جد و جهد میخواهد، مجاهدت میخواهد و بایستی تلاش کرد؛ این هم یک نکته.

نکاتی در باب مسئله‌ی اقتصادی: (۱) ضرورت علاج گرانی و مهار قیمتها  
یک جمله در باب مسئله‌ی اقتصادی کشور عرض میکنم. خب، کشور از لحاظ معیشت عمومی دچار مشکل است؛ یعنی واقعاً معیشت خانوارها دچار مشکل جدی است و مردم مشکل دارند؛ گرانی‌ها و مانند اینها هست، اینها بایست علاج بشود. البته کارهایی که باید انجام بگیرد، ما در جلسات خصوصی به مسئولین گفته‌ایم یا پیغام داده‌ایم؛ بنده با آقای رئیس‌جمهور هم صحبت کرده‌ام و با بعضی از مسئولین دیگر هم دورادور صحبت کرده‌ایم و پیغام داده‌ایم که کارهایی را انجام بدهند؛ حالا این را باز هم میگویم، تأکید میکنم بر اینکه دستگاه‌های مسئول به آن توجه کنند که در همین زمینه‌ی مربوط به مشکل اقتصادی، یک بخش مسائل فوری ما است، یک بخش هم مسائل بلندمدت ما یا میان‌مدت ما است.

مسائل فوری عمدتاً مسئله‌ی مهار قیمتها است؛ یعنی تلاشی‌هایی [برای آن] باید کرد. متخصصین مسائل اقتصادی معتقدند که این کار ممکن است؛ یعنی کسانی که اهل مدیریتهای اجرایی در زمینه‌ی اقتصادی هستند معتقدند که میشود قیمتها را مهار کرد. البته گاهی اوقات که قیمتها بالا میرود به خاطر کمبود کالا است؛ لکن در مواردی هیچ کمبودی وجود ندارد، جنس وجود دارد، زیاد هم هست [اما] در انبار آن را نگه میدارند، عرضه نمیکند، که خب با



اینها بایستی برخورد کرد؛ یعنی واقعاً اینها را حتماً بایستی دستگاه‌های ذی‌ربط که عمدتاً دستگاه‌های دولتی هستند - قوه‌ی مجریه، و قوه‌ی قضائیه هم اگر کمکی از او لازم است - وارد بشوند. این یک مسئله است که بازار یک ثباتی پیدا بکند. این حالت که هر روز اجناس یک قیمتی پیدا کند، برای کشور مضر است.

## ۲) لزوم حفظ ارزش پول ملی

بعد هم مسئله‌ی حفظ ارزش پول ملی است؛ اینکه این ارز همین طور افسار پاره کند و قیمتش روزبه‌روز بالا برود، چیز بسیار بدی است، این جزو کارهای کوتاه‌مدت است که بایستی [مسئولین] انجام بدهند. البته من اطلاع دارم بانک مرکزی تلاش‌های زیادی دارد میکند و ان‌شاءالله موفق هم خواهد شد و این هم به بنده گزارش شده از جاهای مطمئن که این [موضوع] بیش از آنچه دلایل اقتصادی داشته باشد، دلایل امنیتی - سیاسی دارد - نه اینکه دلایل اقتصادی نداشته باشد اما [عمده] دلایل امنیتی و سیاسی است - که خب اگر این [طور] باشد باید جداً مقابله بشود؛ کسانی هستند که به این آتش‌افروزی دامن میزنند.

## ۳) ضرورت هدایت نقدینگی به تولید

یک مسئله‌ی دیگر هم که جزو مسائل لازم است و آن را هم باز اهل فن و کارشناس‌های ذی‌ربط میگویند که ممکن است، مسئله‌ی هدایت نقدینگی به تولید است. من البته دو سال قبل از این در نماز عید فطر این را گفتم که نقدینگی برای اقتصاد کشور یک خطر بزرگی است، (۱۷) اما همین خطر را میشود تبدیل کرد به سود؛ اگر بتوانیم با تدبیر درست این نقدینگی را به سمت تولید هدایت بکنیم، نه فقط دیگر ضرر ندارد، بلکه سودمند هم خواهد بود. کارشناس‌ها به ما میگویند که این کار ممکن است، میتوان این کار را کرد؛ برنامه‌ریزی لازم دارد، دنبال‌گیری لازم دارد که ان‌شاءالله بایستی انجام بگیرد.

## ۴) لزوم شناسایی و رفع موانع جهش تولید

یک موضوع دیگر هم موانع جهش تولید است؛ ما امسال را سال جهش تولید معین کردیم و موانعی در اینجا و در سر راه وجود دارد. به من این جور پیشنهاد شده که من حالا مطرح میکنم و آقایان رؤسای محترم سه قوه این را دنبال کنند، بررسی کنند. پیشنهاد شده که یک کارگروه ویژه‌ای از طرف سران سه قوه تعیین شود و این کارگروه که نماینده‌ی جلسه‌ی اقتصادی سران سه قوه است، بروند این موانع را شناسایی کنند و رفع کنند. این را حضرات در جلسه‌شان مطرح کنند و به یک نتیجه‌ای برسند و جداً این را دنبال کنند که موانع جهش تولید چیست که شاید یکی از موانع، همین مسئله‌ی واردات بی‌رویه باشد که بسیار مهم است.

۵) ضرورت اصلاح ساختار بودجه و نظام بانکی، ارتقای سرمایه‌گذاری و اشتغال، بهبود فضای کسب و کار اینها کارهایی است که در کوتاه‌مدت بایست به طور فوری و با اولویت انجام بگیرد؛ و همه‌ی دستگاه‌ها هم -دستگاه‌های دولتی، دستگاه‌های خصوصی و شبه‌خصوصی- بایستی همه با هم همکاری کنند که این کار انجام بگیرد؛ لکن اصلاحات اساسی، همان چیزی است که ما دو سال قبل از این به همین جلسه‌ی شورای اقتصادی سران سه قوه ابلاغ کردیم؛ که یکی عبارت است از مسئله‌ی اصلاح ساختار بودجه که خیلی مهم است، یکی مسئله‌ی اصلاح نظام بانکی است، یکی ارتقای سرمایه‌گذاری و اشتغال است. البته از سالها پیش متأسفانه مسئله‌ی سرمایه‌گذاری در کشور تضعیف شده و کار لازم در این زمینه انجام نگرفته؛ از ده دوازده سال پیش، این مشکل وجود داشته در کشور که بایستی جبران بشود؛ این کار جزو کارهای بلندمدت است. یکی هم بهبود فضای کسب و کار است، که البته اینها



را ما درخواست کرده‌ایم، آقایان هم تلاش میکنند؛ پیشرفت قابل توجهی نداشته ولی خب میدانیم چه میخواهیم؛ مهم این است؛ میدانیم دنبال چه هستیم و برنامه اینها است، باید این کارها تحقق پیدا کند؛ این هم یک چند جمله راجع به بحث اقتصاد.

احتیاج به صبر و ثبات قدم  
من راجع به آینده هم یک جمله‌ای عرض بکنم. به نظر من برای تأمین آینده احتیاج داریم به صبر و ثبات؛ بایستی گاممان را محکم کنیم؛ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ إِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَ ثَبِّتْ أَقْدَامَنَا؛ (۱۸) یکی از چیزهایی که در دعا خواسته شده، همین است که قدمهایمان ثابت باشد؛ صبر و ثبات قدم لازم است؛ که البته مردم هم خوشبختانه مردم صبوری هستند؛ ما این را تجربه کرده‌ایم، میدانیم که به خاطر ایمان مذهبی‌ای که دارند، به خاطر اعتمادی که به نظام و کشور و جمهوری اسلامی دارند، ثبات مردم انصافاً ثبات خوبی است؛ مسئولین هم باید با کار جهادی، صبر و ثبات خودشان را نشان بدهند؛ یعنی کار جهادی به نظر من بسیار لازم است؛ تردید، نگرانی، آیا میشود، آیا نمیشود، بکنیم، نکنیم، اینها خیلی مضر است؛ مسئولین به اینها باید توجه کنند.

مشکلات بزرگ و عجیب جامعه‌ی آمریکا  
توجه داشته باشیم مشکلات بزرگی که امروز حول و حوش دشمن اصلی ما را گرفته - که دشمن اصلی ما نظام آمریکا و رژیم آمریکا است - قابل مقایسه با مشکلات ما نیست، ده‌ها برابر بزرگ‌تر از مشکلات ما است؛ یعنی آمریکایی‌ها الان محصور به مشکلات گوناگون [هستند]؛ از طرفی افزایش فاصله‌ی طبقاتی به شکل عجیب، از طرفی مشکل تبعیض نژادی که خب بروز کرده و دارد خودش را نشان میدهد و همه را در مقابل این نظام آمریکا به صف کرده؛ از طرفی مشکلات لاینحل اقتصادی. اینکه حالا گفته شد ۴۵ میلیون بیکار [دارند]، چیز خیلی مهمی است، چیز خیلی عجیبی است در کشور.

و مشکلات مدیریتی که در باب کرونا خودش را نشان داد. اینها مشکلات آمریکا است؛ و رفتار پلیس سنگدل هم نشان‌دهنده‌ی مشکل مدیریتی است. یعنی مدیریتهای اجتماعی آن کشور جوری است که نمیتوانند مانع بشوند از اینکه یک پلیسی این جور وحشیانه جلوی چشم مردم، داخل خیابان یک نفر را با شکنجه به قتل برساند؛ نمیتوانند مانع این کار بشوند. این نشان‌دهنده‌ی مشکلات سخت مدیریتی است و همینجا موجب شده آمریکا امروز در سطح دنیا منفور است، در سطح دنیا منزوی است، و آتش زیر خاکستر هم شعله کشیده. ممکن است این حرکاتی را که امروز در کف خیابانها در آمریکا در ایالت‌های مختلف هست سرکوب کنند، موقتاً آن را خاموش کنند لکن آتش زیر خاکستر باقی است، از بین نمیرود و شعله میکشد. اینها نظام کنونی آمریکا را از بین خواهد برد. و علتش هم این است که نظام، نظام غلطی است؛ فلسفه‌ی اقتصادی و سیاسی نظام آمریکا فلسفه‌ی غلطی است منتها فلسفه‌های غلط، ظرف ده سال و بیست سال خودش را نشان نمیدهد، در طول مدت نشان میدهد و دارد الان نشان میدهد؛ و مدیریت آمریکا خلاصه الان دچار سرگیجه است. البته گفتیم علیه ما مرتباً اینجا و آنجا حرف میزنند لکن این ظاهر قضیه است، این برای آن است که خودشان را از تک و تا نیندازند؛ والا همه‌ی آنها گرفتار مشکلات داخلی‌اند، همه‌ی آنها نگران مسائل آینده‌ی خودشان [هستند].

ملت آمریکا، بزرگ‌ترین دشمن رژیم آمریکا

به نظر من آمریکایی‌ها دنبال پیدا کردن دشمنند؛ گاهی اسم ایران را می‌آورند، گاهی اسم چین را می‌آورند، گاهی





اسم روسیه را می‌آورند؛ می‌خواهند دشمن درست کنند. به نظر من آمریکا، دشمنی بزرگ‌تر از ملت خودش ندارد؛ الان بزرگ‌ترین دشمن رژیم آمریکا، ملت آمریکا هستند؛ دنبال دشمن دیگر نگرند؛ همین دشمن هم هست که این رژیم را به زانو درخواهد آورد. و مشکل آمریکا با ما هم این است که نه می‌تواند ما را حذف کند، نه می‌تواند ما را تسلیم کند؛ او دنبال این است که یا ما را تسلیم خواسته‌های خودش بکند، یا ما را حذف کند و از بین ببرد، و هیچ کدام را نمیتواند، لذاست که ناراحت است؛ بنابراین به نظر ما صبر و ثبات و ایستادگی و ان شاء الله کار جهادی وظیفه‌ی ما است.

خب این دولت [کنونی ما] هم در اواخر دوران مسئولیت خودش است؛ در این هفت سال کارهایی انجام داده‌اند و هر چه توانستند تلاش کرده‌اند؛ بعد هم ان شاء الله دولت تازه‌نفس دیگری می‌آید و امیدواریم که ان شاء الله کارها را با یک جدیت بیشتری دنبال بکنند. بعضی از بخشهای دولت در این مدت هم واقعاً خوب کار کردند؛ حالا نسبت به همه‌ی این بخشها نمیشود این را گفت اما در بعضی از بخشها واقعاً کارهای خوبی انجام گرفته. بنابراین بحول الله و قوته، ان شاء الله ما کارها را ادامه می‌دهیم، راه را پیش می‌بریم و ملت ایران پیروز خواهد شد.

لزوم رعایت معیارها و ضوابط ستاد ملی کرونا در مجالس عزاداری ماه محرم یک جمله من راجع به محرم بگویم؛ بحث [در مورد] محرم زیاد است و همین طور الان مدتهاست که هر کسی یک چیزی راجع به محرم می‌گوید. خب عزاداری را بالاخره به یک شکلی [بر پا] میکنند؛ آنچه بنده می‌خواهم تأکید کنم این است که در عزاداری‌ها معیار آن چیزی است که کارشناسان بهداشت به ما می‌گویند؛ [یعنی] ستاد ملی کرونا. خود بنده شخصاً هر چه آنها لازم بدانند مراعات خواهم کرد. توصیه‌ی من و تأکید من به همه‌ی کسانی که میخواهند عزاداری کنند - هیئات، آقایان حضرات منبری‌ها، صاحبان مجالس، مداحها، نوحه‌خوان‌ها و دیگران - این است: هر کاری میکنید، [اول] ببینید آنها چه می‌گویند. یعنی ستاد ملی کرونا اگر چنانچه یک ضابطه‌ای را معین کرد برای عزاداری، همه‌ی ما موظفیم آن را عمل کنیم. مسئله، مسئله‌ی کوچکی نیست، مسئله‌ی بسیار مهمی است. الان یک مقداری مراقبت هست و کنترل هست؛ خدای نکرده اگر چنانچه همین مقدار هم شل گرفته بشود و از بین برود، آن وقت فاجعه‌ای به وجود خواهد آمد که دیگر آن سرش ناپیدا است.

امیدواریم خدای متعال کمک کند، حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) دست ما را بگیرد، به کمک ما بیاید - همچنان که همیشه [چنین] بوده - و ان شاء الله ارواح طیبه‌ی شهدا و روح مطهر امام راحل (رضوان الله علیه) ما را دعا کنند و موفقیت ملت ایران را از خدا بخواهند.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

- ۱) سوره‌ی اعراف، بخشی از آیه‌ی ۱۴۲: «و با موسیٰ، سی شب وعده گذاشتیم و آن را با ده شب دیگر تمام کردیم. تا آنکه وقت معین پروردگارش در چهل شب به سر آمد. ...»
- ۲) سوره‌ی اعراف، بخشی از آیه‌ی ۱۳۸: «... همان گونه که برای آنان خدایانی است، برای ما [نیز] خدایی قرار ده. ...»
- ۳) سوره‌ی اعراف، بخشی از آیه‌ی ۱۵۰: «... و الواح را افکند و [موسیٰ] سر برادرش را گرفت و او را به طرف خود کشید. ...»
- ۴) سوره‌ی احزاب، بخشی از آیه‌ی ۶۹: «... مانند کسانی مباشید که موسیٰ را [با اتهام خود] آزار دادند. ...»



- (۵) سوره‌ی صف، بخشی از آیه‌ی ۵ : «... ای قوم من! چرا آزارم می‌دهید، با اینکه میدانید من فرستاده‌ی خدا به سوی شما هستم؟ ...»
- (۶) وقایع
- (۷) سوره‌ی ابراهیم، بخشی از آیه‌ی ۳۹ : «سپاس خدای را که با وجود سالخوردگی، اسماعیل و اسحاق را به من بخشید. ...»
- (۸) سوره‌ی صافات، بخشی از آیه‌ی ۱۰۲ : « وقتی با او به جایگاه «سَعَى» رسید. ...»
- (۹) سوره‌ی صافات، بخشی از آیه‌ی ۱۰۲ : «... ای پدر من! آنچه را مأموری بکن ؛ ان شاءالله مرا از شکیبایان خواهی یافت.»
- (۱۰) پیشی گرفتن به خیرات
- (۱۱) از جمله سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۱۴
- (۱۲) سوره‌ی آل عمران، بخشی از آیه‌ی ۱۱۴ : «... و در کارهای نیک شتاب میکنند، و آنان از شایستگانند.»
- (۱۳) سوره‌ی مؤمنون، آیه‌ی ۶۱ : «آنانند که در کارهای نیک شتاب می‌ورزند و آنانند که در انجام آنها سبقت می‌جویند.»
- (۱۴) از جمله سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۴۸ : «... پس در کارهای نیک بر یکدیگر پیشی گیرید. ...»
- (۱۵) بیانات در مراسم بیست‌ونهمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره) ( ۱۳۹۷/۳/۱۴ )
- تجاری مبادلات از حمایت‌ی سامانه‌ی INSTEX (۱۶)
- (۱۷) خطبه‌های نماز عید فطر ( ۱۳۹۷/۳/۲۵ )
- (۱۸) سوره‌ی آل عمران، بخشی از آیه‌ی ۱۴۷ : «... پروردگارا! گناهان ما و زیاده‌روی ما در کارمان را بر ما ببخش و گامهای ما را استوار دار ...»